



معماری در دارالخلافه ناصری

وحید قبادیان

نشر پیشوتن

اجتماعی و هنری که در اثر مواجهه شدن با جهان مدرن در ارکان تمدن ما به وجود آمده عنوان شده و سپس وضعیت اجتماعی و کالبدی شهر تهران در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه بررسی و نظرگاه‌های گوناگون درباره‌ی تحولات معماری تهران در دوره ناصری مطرح می‌شود.

فصل سوم به طور مشخص به معماری تهران و تحولات به وجود آمده در عصر ناصری اختصاص داده شده است. در این فصل تحولات بافت شهری تهران، مجموعه کاخ گلستان و سپهسالار و سه ساختمان مهم این دوره تجزیه و تحلیل می‌شود. خلاصه و نتایج مباحث عنوان شده و پیشنهادات برای مطالعات بعدی، آخرین فصل کتاب را به خود اختصاص داده است.

نگارنده بر این باور است که تجزیه و تحلیل معماری معاصر ایران و بررسی مبانی نظری آن، بدون توجه به نقطه آغازین و شرایط ذهنی و عینی آن مقطع تاریخی ممکن و میسر نمی‌باشد. دیگر اینکه این پرسش‌ها برای معماران ما مطرح است که معماری معاصر ما از چه الگوهای شکلی و مفهومی پیروی می‌کند، جایگاه و رابطه آن با فرهنگ و سنت ایران زمین چگونه است و چه ارتباطی با معماری بین‌المللی و به ویژه معماری غرب دارد.

رابطه‌ی معماری ما با جهان خارج از چه زمانی به صورت یک طرفه درآمد و آیا امکان خارج شدن معماری ما از این حالت حاشیه نشینی وجود دارد. آیا می‌توان دوباره وارد حوزه گفت‌وگو و تبادل در دنیای مدرن کنونی با دیگر کشورها و فرهنگ‌ها شد؟ نگارنده معتقد است برای پاسخ به این مباحث باید به خاستگاه زمانی و مکانی معماری معاصر ایران و پیش‌زمینه‌ها و تحولات رخ داده در آن حوزه مشخص توجه کرد.

از دوران ناصرالدین شاه، هرچند بناهای جدید در قالب کلاه فرنگی احداث شد اما در زمان رضاشاه بود که جلوه‌هایی از نوسازی شهری آغاز شد و به تدریج چهره شهر تهران تغییر کرد. اما این تغییر در همه ابعاد نبود یعنی نوسازی و معماری به هیچ روی ریشه در اندیشه بومی نداشت. از این رو نوعی گسست میان دو جنبه زندگی به وجود آمد.

گسست میان دو وجه زندگی مدرن و سنتی، گسستی است که در کلیه شئون و ارکان فرهنگی جامعه ایرانی وجود داشته و هنوز هم دیده می‌شود. مؤلف تلاش کرده است در این اثر به ارتباط سنت و مدرنیته به ویژه در شهرسازی و معماری بپردازد، و مناسبت این دو شیوه زندگی را در دوره قاجار و به ویژه عصر ناصرالدین شاه مورد بررسی قرار دهد. وی هدف خود را در این تجزیه و تحلیل عناصر نوگرایی و سنت و ساختمان‌های شاخص ناصری در تهران قرار داده و ضمن به کار گرفتن روش کیفی و به کارگیری اسناد تاریخی معتبر میدان توپخانه، کاخ گلستان، مجموعه سپهسالار و کاخ ملیجک را به شکلی دقیق مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع هدف این اثر پاسخ دادن به پرسش پیرامون تغییرات کیفی در حوادث معماری در دوران سلطنت ناصرالدین شاه است. مؤلف علاوه بر محدوده معماری، جلوه‌های فلسفی، سیاسی، اجتماعی حاکم بر این دوره را نیز مورد نظر قرار می‌دهد.

نگارنده در اثر حاضر ابتدا به سابقه تاریخی، و در ادامه به رویارویی سنت و تجدد در عهد ناصرالدین شاه، معماری در دارالخلافه ناصری، دلایل بروز و ظهور تجدد در معماری معاصر تهران می‌پردازد. در واقع در فصل اول اهمیت موضوع و مقوله سنت و تجدد، تشریح و تبیین شده است. در فصل دوم ابتدا تحولات نظامی، سیاسی،